

پاسخ به ۵ سوال درباره مصوبه مهم مجمع تشخیص

نه بدعت، نه عقب‌نشینی

فرهیختگان پس از مدت‌ها بحث و گفت‌وگو لایحه اصلاح قانون مبارزه با پولشویی که در شورای نگهبان مغایر شرع و قانون اساسی تشخیص داده شده بود، توسط مجلس به مجمع تشخیص مصلحت نظام ارسال شد تا اعضای مجمع در مورد این لایحه اظهارنظر کنند. اعضای مجمع بعد از چند جلسه بررسی و گفت‌وگو نهایتاً صبح روز شنبه ۱۵ دی ماه در اولین جلسه‌ای که آیت‌الله املی لاریجانی در کسوت ریاست، اداره کننده جلسه بود، لایحه مبارزه با پولشویی را تصویب کردند. این تصویب اما به صورت تام و تمام تأیید کننده نظرات مجلس شورای اسلامی یا شورای نگهبان نبود و به عبارتی مجمع تشخیص با تغییراتی هرچند محدود، این لایحه را از تصویب خود گذراند. محسن رضایی، دبیر مجمع تشخیص مصلحت نظام ابتدا در توئیتر خود در توضیح مصوبات جلسه

روز شنبه نوشت: «اعضای مجمع تشخیص در مذاکرات خود، هر نوع استناد لایحه اصلاح قانون مبارزه با پولشویی را به گروه مالی FATF نفی کردند. ماده یک لایحه اصلاح قانون مبارزه با پولشویی اصلاح می‌شود.» رضایی البته بعداً در اینستاگرام توضیحات خود را کامل کرد و گفت: «دولت وقوه قضائیه، لایحه اصلاحیه قانون قبلی را تهیه و به مجلس فرستاده بودند. هیات عالی نظارت هم قبلاً مغایرت‌های این لایحه با سیاست‌های کلی را برشمرده و به شورای نگهبان فرستاده بود. شورای نگهبان آن ایرادات را به دلیل مغایرت با اصل ۱۱۰ قانون اساسی به مجلس ابلاغ کرد. سرانجام، موضوع به مجمع تشخیص مصلحت بازگشت و مجمع هم با رعایت مصلحت، مغایرت‌ها را تشخیص داده، مصوبه مجلس اصلاح شد.» این اتفاق که با توضیحات دبیر مجمع ابعاد آن مشخص شد نهایتاً

باعث شد برخی نمایندگان مجلس از روز گذشته نسبت به تصمیمات مجمع اعتراض کنند و چند ایراد و ابهام ظاهراً قانونی را به این تصمیم وارد آوردند. سوای ماجرای سیاسی و بی‌ربط به ماده و تبصره قانونی که «آیا FATF این خروجی را از مامی‌پذیرد یا خیر؟» نمایندگان گفتند که مجمع حق اصلاح قانون مجلس را ندارد و به عبارتی نباید قانون گذاری کند. آنها حتی با ارفرات گذاشته‌اند و مجمع تشخیص مصلحت نظام را مجلس سنا توصیف کردند و این طور گفتند که اعضای مجمع در تلاشند جایگاه سنا تروهای مجلس سنا را برای خود تعریف کنند. این اظهارنظرها از روز گذشته تیتتر برخی رسانه‌های اصلاح‌طلب شده و ابهاماتی را ایجاد کرده است. «فرهیختگان» در شماره امروز خود تلاش می‌کند به این ابهامات به صورت مبسوط و مستند پاسخ دهد.

آیا مجمع حق تغییر در مصوبات مجلس را دارد؟

مجمع تشخیص مصلحت نظام طبق اصل ۱۱۲ در موارد اختلاف بین مجلس و شورای نگهبان تصمیم‌گیری می‌کند. در این میان مجمع یا باید (الف) نظر مجمع یا (ب) نظر شورای نگهبان را بپذیرد یا در حالت سوم (ج): نظر اختصاصی خود را داشته باشد.

حالت الف: در این وضعیت قاعدتاً مشکلی رخ نخواهد داد و مجمع تشخیص با تأیید نظر مجلس مصوبه را تبدیل به قانون خواهد کرد و کار جلو می‌رود.
حالت ب: مجمع می‌گوید آنچه مجلس تصویب کرده، تأمین کننده مصلحت کشور نیست و نظر شورای نگهبان وارد است. در این شرایط مجمع تشخیص مصلحت نظام دونوع تصمیم را می‌تواند اتخاذ کند؛ اول اینکه مصوبه را کلاً از دستور کار خود خارج سازد و آن را برای تصمیم‌گیری مجدد به مجلس ارجاع دهد که در این صورت مجلسی‌ها یا به کل از خیر تصویب قانون می‌گذرند یا دوباره از اول فرآیند بررسی و قانونگذاری را طی می‌کنند و قانون جدیدی می‌نویسند و طبق معمول آن را به شورای نگهبان ارسال می‌کنند. در حالت

آیا دولت با اقدام مجمع مخالف است؟

اساسی دیده است. او همین جاتاکید می‌کند که دولت در تدوین این لایحه «کاملاً هوشیار و مقید بوده» و از این رو به گونه‌ای این لایحه تدوین شده است که از «کارآمدی لازم» برخوردار باشد و بنا بر همین فرض هم تصویب لایحه دولت و تغییر برخی اضافات مجلس نه تنها از کارایی آن کم نمی‌کند، بلکه به حفظ اساس و قوت آن کمک خواهد کرد که دیگران نیز به آن استناد کنند.

مصباحی مقدم در نهایت بر این مسأله تأکید می‌کند که با تصمیم‌نهایی اخذشده در جلسه روز شنبه مجمع تشخیص «که به جز حسن روحانی از دولت، باقی اعضای منصوب به دولت و مجلس در آن حاضر بوده‌اند) مخالفی نه از طرف مجلسی‌ها شده و نه از طرف دولتی‌ها و توضیح می‌دهد: «اصلاحاتی که در جلسه روز شنبه صورت گرفت را غالباً رئیس مجلس و نماینده دولت پذیرفتند، بنابراین چه جای بهانه‌گیری و ایرادگیری است؟»

غلامرضا مصباحی مقدم، عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام است. او دقایقی بعد از پایان جلسه‌ای که در آن به لایحه دولت برای اصلاح قانون مبارزه با پولشویی در کشور به تصویب رسید، با یکی از رسانه‌های نزدیک به دولت به گفت‌وگو نشست و توضیحاتی را درباره جلسه ارائه کرد. مصباحی مقدم که سابقه حضور در چند دوره مجلس را هم دارد، در این گفت‌وگو این را می‌کند که مجمع تشخیص مصلحت نظام بنا به مصالح کشور تلاش کرده قانون کامل و جامعی تصویب کند که مغایرتی با سیاست‌های کلی نظام، قانون اساسی و شرع نداشته باشد و از این رو توجه ویژه‌ای به اینکه مطالبات FATF چه بوده، نداشته است.

مصباحی مقدم علاوه بر این می‌گوید هیات عالی نظارت نه به لایحه دولت که به اضافات مجلس بر لایحه دولت ایراداتی را وارد دانسته و این اضافات را مخالف سیاست‌های کلی نظام و اصول قانون

میان داری مجمع تشخیص مصلحت در اختلافات مجلس و شورای نگهبان همیشه به یک صورت نیست و قانون در مصداق‌های مختلف، رویه‌های مختلفی را برای آن پیش‌بینی کرده است. یکی از این رویه‌ها ارجاع به اصل ۱۱۰ قانون اساسی است؛ اصلی که به تشریح وظایف رهبری می‌پردازد. آن‌طور که در بند ۱۶ این اصل آمده، حل «معضلات» نظام که از طرق عادی قابل حل نیست، از طریق مجمع تشخیص مصلحت نظام صورت خواهد گرفت. به این شکل که رهبری به صورت موری، در این قبیل موضوعات به مجمع تفهید اختیار کرده و مجمع نیز براساس مصالح نظام را آسا تصمیم خواهد گرفت؛ تصمیمی که ممکن است الزاماً موید مصوبه مجلس یا نظر شورای نگهبان نباشد و نظر سومی را به تصویب برساند. سابقه این مسأله را می‌توان در استفسارهای که ۲۷ سال پیش، مرحوم هاشمی‌رفسنجانی درباره برخی اختلافات میان مجلس و شورای نگهبان از رهبر انقلاب انجام داد، جست‌وجو کرد. رئیس‌جمهور وقت در تاریخ دوم شهریور سال ۷۰ در نامه‌ای خطاب به رهبر انقلاب نوشت: «همان گونه که مستحضر هستید، برخی از مصوبات مجلس براساس اصل

تکلیف با استفسار به هاشمی روشن شد

۱۱۲ جهت حل اختلاف به مجمع ارجاع می‌شود. در مواردی برخی از اعضای مجمع رای دادن به موضوع مورد اختلاف را مشروط به اصلاح بخشی دیگری از مواد مصوبه می‌کنند که موازی با مخالفت شورای نگهبان نبوده است و در این صورت امکان رفع اختلاف و شکستن بن‌بست برای مجمع نیست. خواهشمند است ما را برای رفع این مشکل راهنمایی کنید. به‌عنوان نمونه، مصوبات مجلس درباره نظارت بر صداوسیما و حضور وکیل در دادگاه‌ها هم اکنون دچار این مشکل است و قبلاً در قانون کار نیز این مشکل را داشتیم که با دستور جنابعالی حل شد.»

رهبر انقلاب همان زمان در پاسخ، این طور مرقوم می‌کنند که: «صورت مفروض یکی از مصادیق معضل است و حل آن با مجمع تشخیص مصلحت است. علی‌هذا مجمع مذکور در چنین مواردی می‌تواند به همه بخش‌های موردنظر در مصوبه بپردازد.»

بر این اساس رای مجمع در یک موضوع اختلافی می‌تواند تأیید مصوبه مجلس یا نظر شورای نگهبان باشد یا با انجام اصلاحات، نظر سومی به تصویب برسد.

آیا مجمع تشخیص مجلس سناست؟

توافق حاصل نشد، مجمعی مرکب از فقهای محترم شورای نگهبان، روسای قوای سه‌گانه،... نخست‌وزیر و وزیر مربوطه برای تشخیص مصلحت نظام اسلامی تشکیل شود و در صورت لزوم از کارشناسان دیگر هم دعوت به عمل آید و پس از مشورت‌های لازم، رأی اکثریت اعضای حاضر این مجمع مورد عمل قرار گیرد.... مصلحت نظام، امور مهمه‌ای است که گاهی غفلت از آن موجب شکست اسلام عزیز می‌گردد.» بعد از آن اما در جریان بازنگری قانون اساسی در سال ۶۸، به استناد اصول ۱۱۲، ۱۱۱، ۱۱۰ و ۱۷۷ وظایف ۱۱ گانه‌ای را برعهده گرفت که البته قانونگذاری در این مقطع نیز برای این مجمع تعریف نشد.

در این ایام هاشمی‌رفسنجانی توامان هم ریاست جمهوری و هم ریاست مجمع تشخیص مصلحت نظام را بر عهده می‌گیرد و در جریان فعالیت خود با خلأهایی مواجه می‌شود. هاشمی می‌بیند که در برخی موارد دولت، مجلس و شورای نگهبان هر یک نظرات قاطع خود را داشته و حاضر به کوتاه آمدن نیستند. از این رو استفساریه‌ای را در سال ۱۳۷۰ از رهبر انقلاب می‌گیرد؛ استفساریه‌ای که تنها اجازه برخی اصلاحات محدود در مصوبات مجلس را که مورد ایراد جدی شورای نگهبان است می‌دهد تا کشور با بن‌بست مواجه نشده و امور جاری ادامه یابد.

ماجر از توثیت تند و تیز حسام‌الدین آشنا شروع می‌شود؛ آنجایی که می‌نویسد: «گویا برخی تمایل دارند مجمع تشخیص مصلحت نظام را -در غیاب رئیسش- در جایگاه مجلس سنا قرار دهند. عجله نکنید! این ابتکار را بگذارید برای اصلاحیه قانون اساسی.» بعد از این اظهارنظر برخی فعالان سیاسی اصلاح‌طلب و نمایندگان مجلس هم این جنس اظهارات را تکرار و تلاش می‌کنند با این الفاظ سیاسی حرکت مجمع تشخیص را تحت تأثیر قرار دهند.

واقعیت اما چیست؟ سابقه تاسیس مجمع تشخیص مصلحت نظام به ابتدای دهه ۶۰ یعنی همان روزهایی که نظام در حال پا گرفتن بود، برمی‌گردد؛ زمانی که اگر بنای موسسان نظام ایجاد یک مجلس سنا بود، شرایط برای ایجاد آن می‌توانست به راحتی فراهم شود؛ اتفاقی که نیفتاد و پس از گذشت چند سال از فعالیت مجلس شورای اسلامی، چالش جدی در جریان قانونگذاری کشور منجر به درخواست روسای قوا از امام خمینی (ره) برای چاره‌گشایی شد. امام خمینی (ره) هم در پاسخ به این درخواست که چندسالی بود به صورت مداوم تکرار می‌شد، در ۱۶ بهمن ۶۶ دستور تاسیس مجمع تشخیص مصلحت نظام را صادر کردند. در نامه امام برای تاسیس این مجمع آمده است: «... برای غایت احتیاط درصورتی که بین مجلس شورای اسلامی و شورای نگهبان شرعاً و قانوناً

اصلاح طلبان مدعی شدند رئیس‌جمهور در حصار ۴-۵ نفر گرفتار شده است

آن چند نفر!

و حالا در تازه‌ترین فراقتنی از حلقه چهار، پنج‌نفره‌ای که رئیس‌جمهور را محصور کرده‌اند سخن به میان آمده است. اگر اظهارات رفیق هم‌سو و چندساله رئیس‌جمهور – مدیرمسئول روزنامه جمهوری اسلامی- را فرض قرار دهیم؛ در ابتدای امر با این گزاره مواجه می‌شویم که آیا شخصی رئیس‌جمهور از محصورشدن توسط این چند نفری که آقای مهاجری بر آن تأکید دارد، آگاه است؟ ناگفته پیداست اگر پاسخ به این سوال منفی باشد چه و اوایلایی بر سر تدبیر دولت می‌آید، چرا که رئیس دولت حتی اگر نداند که حلقه چهار، پنج نفره اطرافش چه در سر دارند و از حصری که در آن گرفتار شده مطلع نباشد، چطور بر اوضاع کلان و خرد مملکت واقف است و می‌توان امید داشت کلید تدبیرش حلال مشکلات شود. حتی با این فرض سوالی است که اصلاح طلبان چگونه طی دو انتخابات، چنین فرد

چشم و گوش بسته‌ای را مناسب کسوت ریاست‌جمهوری می‌دیدند و نامزد‌های اصلاح‌طلب خود را به پای حمایت از چنین روحانی‌ای که امروز معرفی می‌کنند، قربانی کردند؟! اگر پاسخ به سوال ابتدایی مثبت باشد، یعنی فرض را بر این قرار دهیم که رئیس‌جمهور، همان‌طور که توقع می‌رود، بر اوضاع دور و نزدیک واقف است؛ در این فرض نیز این سوال مطرح می‌شود که چرا حامیان تکراری دیروز دولت، امروز نوک‌پیکان انتقاداتشان را به جای رئیس دولت به سمت هم‌حزبی‌های رئیس‌جمهور برده‌اند؟ اصلاح‌طلبان از جمله مسیح مهاجری معتقدند، اعتدال و توسعه‌ای‌های حلقه اطراف رئیس‌جمهور – امثال نویخت و واعظی- هر اندازه در محصورکردن روحانی موفق بوده‌اند در پیشبرد امور کشور ناموفق هستند، اگر چنین است مگر شخصی جز رئیس‌جمهور آنها را منصوب کرده و اختیارات لازم را به عهده آنان نهاده است؟! نیم‌نگاهی به پازل انتقادات اصلاح‌طلبانه از دولت نشان می‌دهد آنان هر اندازه که منصوبان روحانی را زیر تیغ عریان نقد قرار داده‌اند و این روزها در تلاشند که از خود منتقدان دولت بسازند، از مواجهه مستقیم و نقد رئیس‌جمهور پرهیز دارند. رویه مواجهه غیرمستقیم اصلاح‌طلبان در نقد روحانی دو دلیل عمده دارد: **اول** : آتش حمایت اصلاح‌طلبان در دو انتخابات ریاست‌جمهوری پیشین چنان تند شد که امروز واقع‌بینان‌شان

برنامه پنجم توسعه و مسأله تعیین رئیس بانک مرکزی و نظارت بر عملکرد آن، از جمله مناقشاتی بود که می‌رفت اختلافات مجلس و دولت را به جاهای باریک بکشاند. درواقع پس از آنکه شورای نگهبان مصوبه مجلس درباره ماده ۸۰ قانون برنامه پنجم توسعه را که به ترکیب مجمع عمومی بانک مرکزی و نحوه انتخاب رئیس کل آن مربوط می‌شد، مغایر با قانون اساسی دانست، مجلس با اصرار بر تصمیم خود این مصوبه را برای نهایی شدن به مجمع تشخیص مصلحت فرستاد.

بر اساس این مصوبه، رئیس کل بانک مرکزی با پیشنهاد رئیس‌جمهور رای اکثریت نمایندگان مجلس به این مقام منصوب می‌شدد. شورای نگهبان اما معتقد بود که در قانون اساسی تنها به احراز صلاحیت وزرا از سوی مجلس اشاره شده و از این رو، رای مجلس به رئیس کل بانک مرکزی خلاف قانون است. مجمع هم راهکار سومی داشت مبنی بر اینکه رئیس کل بانک مرکزی بانظر اکثریت روسای سه‌قوه عزل و نصب‌شود. این مسأله انتقاد شدید رئیس‌جمهور وقت را به همراه داشت. احمدی‌نژاد معتقد بود مجمع تشخیص مصلحت نظام اساساً در جایگاهی نیست که بتواند قانون اساسی را تغییر دهد و اگر قرار است چنین شود، ما دیگر نیاز به قانون اساسی نخواهیم داشت. احمدی‌نژاد در این نامه تصریح کرد که دخالت مجمع در این خصوص از مصادیق بارز قانونگذاری محسوب می‌شود. در ادامه مجمع ادعاهای رئیس‌جمهور وقت را بی‌پاسخ نگذاشت و با انتشار متنی حقوقی، توضیحاتی را در این خصوص ارائه داد. در این شبه‌جوابیه، مشاوره به رهبری در حل معضلات نظام، یکی از مهم‌ترین وظایف مجم–طبق بند ۸ اصل ۱۱۰ قانون اساسی– تلقی شده و آمده بود: «بر این اساس ابتدا امری به‌عنوان معضل از سوی رهبر معظم انقلاب به مجمع ارجاع می‌شود و مجمع پس از بررسی‌های کارشناسانه، نظر خود را به معظلم له ارائه می‌نماید و تصمیم‌نهایی در این خصوص با مقام معظم رهبری است.» بر اساس آنچه در متن منتشرشده آمده بود مجمع حق دارد در بررسی موارد اختلافی بین مجلس و شورای نگهبان، نظر سومی را به تصویب برساند و بالاتر از آن مجمع حتی می‌تواند با کسب موافقت رهبری، در موارد دیگری که مورد اعتراض شورای نگهبان هم نیست، اصلاح کند. استناد این اختیارات نیز همان استفساریه سال ۷۰ مرحوم هاشمی و پاسخ رهبر انقلاب ذکر شده بود. در این متن همچنین تصریح شده بود که اعتبار مصوبات مجمع برتر از مصوبات سایر نهادهای قانونی است، و هیچ‌یک از مراجع قانونگذاری حق رد، ابطال، نقض و فسخ مصوبه مجمع را ندارد. «در نتیجه اعتراض به مصوبات قانونی مجمع و ایراد و اشکالات غیرموجه به آن نوعی بی‌توجهی به قانون اساسی است و از هیچ‌کس پذیرفته نیست.

ورود مجمع به موضوعاتی که از سوی رهبر انقلاب به‌عنوان مصداق معضل تعیین شده، البته محدود به این دو مورد نبود و همان‌طور که در استفساریه مرحوم هاشمی‌رفسنجانی نیز به آن اشاره شده، مواردی چون مصوبات مجلس درباره نظارت بر صداوسیما و حتی طرح رسیدگی به دارایی مسئولان را نیز شامل می‌شد. طرحی که ماه‌ها میان مجلس و شورای نگهبان دست به دست شد و در نهایت با تغییراتی اساسی در مجمع تشخیص به تصویب رسید.

معتقدند به هیچ وجه در افکار عمومی قابل‌پذیرش نیست که آن تعریف‌ها و حمایت‌های پرطمطراق تبدیل به نقد و انکار هرگونه نسبت با دولت شود. حمایت تام و تمام اصلاح‌طلبان در انتخابات ریاست‌جمهوری ۹۲ و ۹۶ از حسن روحانی در حافظه مردم ثبت شده است، از این رو آنان که روزی خود را دندانه‌های کلید روحانی می‌خواندند، امروز اگر شراکت آن روزشان را منکر شوند بیش از پیش اعتماد مردم را سلب کرده‌اند. در همین راستا به ناچار از آرمان‌شهری سخن می‌گویند که اگر اعتدال و توسعه‌ای‌ها و چرخش روحانی به سمت‌شان نبود، رقم می‌زدند. اگرچه به موازات این فراقتنی گهگاه به اشتباه‌شدن در این حمایت تام اشاره دارند و به قول موسوی‌لاری می‌گویند که در انتخابات بعدی قطعا در این سطح تکرار نخواهند کرد. **دوم**: دولت تا پایان راه، مسیری دو سال و چندین ماهه دارد. از این رو بخشی از اصلاح‌طلبان نمی‌خواهند عبورشان از دولت را عیان کنند و سعی دارند با مواجهه غیرمستقیم در میدان نقد روحانی و حفظ فاصله با دولت، هم شریک هزینه‌های دولت روحانی نباشند و هم اینکه یل یک را حداقل میان‌شان نگه دارند تا در بزنگاه بر سررسوای موفقیتی احتمالی، باردیگر خود را به قطار دولت برسانند و هم‌سفره پیروزی‌اش شوند. به این امید که چرخش سیب سیاست نم‌دی برای کلاه‌شان به ارمغان آرد.

درنگ

حانیه موحدین

روزنامه‌نگار

هوا میان حامیان دولت و رئیس‌جمهور حساسی غبار آلود و مه‌گرفته است. هر روز بخشی از حامیان سابق و لاحق روحانی سعی دارند به بیانی خود را در زمره منتقدان دولت جای دهند. استغای وزیر بهداشت، بهانه تازه‌ترین این انتقادات شده است؛ «ما چرا بسیار فراتر از اختلاف‌نظر میان رئیس سازمان برنامه و بودجه و وزیر بهداشت است. مشکل، حتی از سلیقه‌ای عمل کردن و کلاه‌بند ساختن وزرا و دستگاه‌ها و خاصه خرجی‌ها هم فراتر است. مشکل اصلی در حلقه تنگ و محدودی است که رئیس‌جمهور روحانی در آن محصور است.» این عبارات تحلیل مدیرمسئول روزنامه جمهوری اسلامی است. مسیح مهاجری در توضیح اعضای این حلقه و حصار دور روحانی تأکید کرده چهار، پنج نفر هستند و رئیس سازمان برنامه و بودجه نیز یکی از آنهاست. اگرچه چهار، پنج نفر موردنظرش را چنان مشهود دانسته که گفته نیاز به نام بردن از بقیه نیست. ناگفته پیداست تیر نماینده روحانی در دانشگاه مذاهب اسلامی به سمت اعضای حزب اعتدال و توسعه نشانه رفته است.